



محمد جمالی، ۱۴۰۲

بررسی تطبیقی قاعده اکراه از منظر مشهور فقها و آیت الله خوئی

در متون فقه اسلامی، نقش اکراه در رفع مسئولیت کیاری به عنوان قاعده‌ای مسلم محسوب است و تحت‌عنوان «رفع ما استکرها علیه» بیان شده است. دیدگاه و نظریه آیت اهلل خویی در برخی از موارد قاعده اکراه نظرات با مشهور فقها متفاوت است. هنگامی که مکره عاقل و بالغ است، بدا ترسیم تدریجاً عقلی بدی دومحذور کشت و کشته شدن؛ ظالمانه بودن قتل اکراهی را مرتاع می داند و بندابرای او را مسدتحق قصاصنداسته، تنها دیه را بر ذمه او مستقر می داند. ای در حالی است که مشهور، با تکیه بر برخی از ادله روایی و اجماع، مکره را مستحق قصاص می دانند. اکراه در کالم فقها گاهی در معنای عام که شامل اجبار نیز است بهکار می رود؛ اما اکراهی که موجب رفع مسئولیت در قتل نیست، حالتی است که فرد درجاتی از قصد را دارد و ازاینرو با اجبار یعنی حالتی که قصد فرد زایل شده است، متفاوت و مشابه با اوطرار است. قصد و اراده در اعتبار اعمال حقوقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اگر قصد و اراده انسان بده دالیلدی مانندد اکدراهمخدوش گردد، اعمال او ناوذ و اعتبار خویش را از دست میدهد؛ آیتاهلل خویی در «تهدید مادون ناس» بانظر مشهور فقهای امامیه همعقیده است؛ ولی با استناد به قاعده «تزام» معتقدند درجایی که «مکره» بهطدورمُسلم بر جان خود یا نزدیکان خود تهدید شده و به همی واسطه مرتکب قتل میگردد، مکره تا پایدان عمدرزندانی میگردد و قاتل را نباید قصاص کرد و دیه پرداخت میگردد.

کلیدواژه‌ها: کلید واژه‌ها: قاعده اکراه، آیت اهلل خوئی، مظریه مشهور فقها، اکراه در قتل

شماره‌ی پایان‌نامه: ۱۲۷۲۹۰۷۹۳۵۴۸۰۵۵۱۴۰۱۱۶۲۵۸۰۷۹۱

تاریخ دفاع: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

رشته‌ی تحصیلی:

دانشکده:

استاد راهنما: دکتر ثمانه علوی

Thesis:

A comparative study of the rule of reluctance from the famous perspective of jurists and Ayatollah Khomeini

In the texts of Islamic jurisprudence, the role of reluctance in the removal of criminal responsibility is considered as an absolute rule, and it is stated under the title "removal of our astikharwa against". Ayatollah Khomeini's view and theory in some cases, the rule of reluctance of opinions, is different from famous jurists. When the desire is wise and mature, by drawing an intellectual conflict



between the two phenomena of killing and being killed; He considers the cruelty of involuntary murder to be acceptable, and therefore, he does not deserve retribution, and considers only the ransom to be his responsibility. This is despite the fact that the famous people, relying on some narrative evidence and consensus, consider Makra as deserving of retribution. In the words of jurists, reluctance is sometimes used in a general sense that includes compulsion; But reluctance, which does not remove the responsibility in murder, is a state in which a person has some degree of intention, and therefore it is different from compulsion, that is, a state in which a person's intention has been lost, and is similar to urgency. Intention and will are of particular importance in the validity of legal acts. If a person's intention and will is distorted by reasons such as reluctance, his actions lose their influence and validity; Ayatollah Khoei agrees with the famous opinion of the Imamiyya jurists in "Threat beyond the Self"; However, referring to the rule of "confrontation", they believe that where "Makra" is threatened by a Muslim on his life or his relatives and thus commits murder, Makra will be imprisoned for the rest of his life and the murderer should not be retaliated and ransom will be paid.